

■ ملتفت باشید! حیات فرنگی‌ها با جاسوس است؛ تا به حال بر سر ما، هر چیزی آورده‌اند، از جاسوس‌ها آورده‌اند. ملتفت باشید! اطراف خودتان را نگاه کنید، گاهی می‌شود به چند واسطه، به جاسوس می‌رسند. اینها یک فطانتی است که خدا باید این زرنگی را بدهد که آدم گول دروغگوها را نخورد؛ آنگذرد به آدم راست می‌گویند، تا اینکه دروغ‌شان را بفروشند... ملتفت باشید! ملتفت ما هستند؛ کما اینکه ملائکه، ملتفت خیالات ما هستند

منبع: www.rahmannews.com

برشی از ابعاد کمتر دیده‌شده حیات فکری و اجتماعی آیت‌الله‌العظمی بهجت(ره)

بهجتی که نمی‌شناسیم!

۲۷ اردیبهشت سالروز وفات عالم فرزانه حضرت آیت‌الله‌العظمی محمدتقی بهجت فومنی(ره) بود که به نوعی برای عموم مردم ایران شخصیتی آموزنده و الهام‌بخش بودند. این عالم فرزانه؛ جامع فقه و عرفان و شخصیتی تاریخی بودند. روابط ایشان با سلسله عرفانی نجف و حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی قاضی به ضمیمه تبحر در فقه و اصول، مرجعی روشن‌ضمیر از ایشان ساخته بود. آیت‌الله بهجت به معنای واقعی کلمه مرجعی اجتماعی و مورد رجوع گروه‌های مختلف مردم بودند. با این حال به‌رغم نگارش آثار مختلف از ایشان و همه تلاش‌های انجام شده اما هنوز ابعاد مختلفی از حیات دینی این عالم وارسته برای عموم مردم ناشناخته باقی مانده است. آیت‌الله بهجت به نحو معمول در ذهن ما ایرانیان تداعی‌گر ارزش‌های اخلاقی و وارستگی دینی است اما آنچه در زندگی ایشان، غایب در اذهان ما است، حیات سیاسی و روشن‌بینی‌های تاریخی ایشان است. بنابراین در ادامه تلاش داریم برشی از حیات سیاسی و تاریخی ایشان را به بحث بگذاریم.

■ اتحاد جهان اسلام

بنیادی‌ترین چالش جهان اسلام در طول ۲ سده گذشته مساله استعمار بوده است. به باور عموم اندیشمندان جهان اسلام، استعمار نقشی جدی در عقب‌ماندگی و بحران‌های سیاسی - اقتصادی ما طی دهه‌های گذشته داشته است. در مقام راه‌حل و درمان این بیماری ساله اتحاد جهان اسلام یکی از ایده‌هایی بود که از سوی برخی عالمان همچون مرحوم سیدجمال‌الدین اسدآبادی طرح شد. آیت‌الله بهجت در این زمینه می‌فرمایند: «در جنگ جهانی اول به «مصطفی کمال» که صدراعظم دولت عثمانی بود، رشوه و وعده ریاست دادند تا قدرت سلطان عثمانی را تجزیه کند و از بین ببرد و دولت عثمانی منحصر به ترکیه شود. به این ترتیب دولت عثمانی مغلوب انگلیس شد و ترکیه به دست مصطفی کمال افتاد، چنانکه عراق و حجاز نیز به دست انگلیس افتاد. آیا مصطفی کمال مسلمان بود؟ کسی که قرآن را مسخره می‌کرد و روز یکشنبه را تعطیل رسمی اعلام کرد. سیدجمال‌الدین اسدآبادی هم

منبع: www.rahmannews.com

نمی‌توانیم ما [سعادت‌مند شویم] مگر اینکه در یک دست‌مان قرآن باشد او [یک دست‌مان عترت و الا در همین دنیا پیشیمان می‌شویم. و الا همین دنیای‌مان از دست‌مان گرفته می‌شود، کما اینکه گرفته شد؛ دست برداشتن از قرآن و عترت، رضاخان وطن و مملکت شیعه را فروخت. مصطفی کمال هم مملکت عثمانی اسلامی را فروخت. این بسعود هم حجاز را فروخت و تسلیم همین‌هایی که الان هستند ا کرد. باید بدانند به اینکه گم کرده بودیم راه را که اینطور گرفتار شدیم. الان ما دولت‌های اسلامی به شدیم دلیل ادولت‌های آ آمریکا و انگلیس و اینها که از اخبت خیانت روی زمینند؛ بلکه از متوحش‌ترین کسانی‌اند که اسم انسانیت گذاشته‌اند روی خودشان»^۲

برای همین کشته شد که می‌خواست برای قوت و قدرت دولت اسلامی، ایران را به دولت عثمانی ملحق (متحد) کند ولی نمی‌دانست ایران دست روس است و با ایران معاهده دارد و آنها نمی‌گذارند چنین کاری عملی نشود. بله! بساطت مخالف با انبیا علیه‌السلام جنگ و خونریزی است.^۱ باره مسائل مهم پیرامون طرح اتحاد، محور اتحاد است. محور اتحاد باید بیشترین فراگیری را در میان امت اسلامی داشته تا بتواند همه را در وحدتی فراگیر ترسیم کند. ایده‌هایی همچون دولت‌های مذهبی یا دولت‌های ناسیونالیستی بویژه ناسیونالیسم عربی، ترکی و فارسی در نهایت با چند بخشی کردن جهان اسلام، طرح اتحاد کلی آن را مورد خدشه قرار دادند. آیت‌الله بهجت در این باره معتقد است: «نمی‌توانیم ما [سعادت‌مند شویم] مگر اینکه در یک دست‌مان قرآن باشد او [یک دست‌مان عترت باشد. و الا در همین دنیا پیشیمان می‌شویم. و الا همین دنیای‌مان از دست‌مان گرفته می‌شود، کما اینکه گرفته شد؛ دست برداشتن از قرآن و عترت، رضاخان وطن و مملکت شیعه را فروخت. مصطفی کمال هم مملکت عثمانی اسلامی را فروخت. این بسعود هم حجاز را فروخت و تسلیم همین‌هایی که الان هستند ا کرد. باید بدانند به اینکه گم کرده بودیم راه را که اینطور گرفتار شدیم. الان ما دولت‌های اسلامی به شدیم دلیل ادولت‌های آمریکا و انگلیس و اینها، که از اخبت خیانت روی زمینند؛ بلکه از متوحش‌ترین کسانی‌اند که اسم انسانیت گذاشته‌اند روی خودشان»^۲

■ استعمار و مسأله نفوذ

یکی از روش‌های استعمار برای تسلط بر جوامع هدف، مساله نفوذ است. نفوذ شامل سطح وسیعی از آموزش جاسوس و ارتباط‌گیری تا نفوذ فرهنگی به واسطه رسانه می‌شود. البته امروز که مساله رسانه‌ها و روابط فرهنگی میان کشورهای جهان شکل متفاوتی را به خود گرفته است، طبیعتاً

نفوذ نیز دارای ابعاد متفاوت‌تری با دهه‌های گذشته شده است. آیت‌الله بهجت نیز به عنوان یک عالم زمانه‌شناس از این موضوع غافل نبوده و همواره در سخنرانی‌ها خود مساله مراقبت بر نفوذ دولت‌های غربی را هشدار داده‌اند، به گونه‌ای که در این زمینه آثار مختلفی تولید شده است. در اینجا و تنها از باب نمونه به ذکر یکی از فرمایشات ایشان می‌پردازیم: «همچنین ملتفت باشید! حیات فرنگی‌ها با جاسوس است؛ تا به حال بر سر ما، هر چیزی آورده‌اند، از جاسوس‌ها آورده‌اند. ملتفت باشید! اطراف خودتان را نگاه کنید، گاهی می‌شود به چند واسطه، به جاسوس می‌رسند. اینها یک فطانتی است که خدا باید این زرنگی را بدهد که آدم گول دروغگوها را نخورد؛ آنگذرد به آدم راست می‌گویند، تا اینکه دروغ‌شان را بفروشند... ملتفت باشید! ملتفت ما هستند؛ کما اینکه ملائکه، ملتفت خیالات ما هستند. این ملعون‌ها ملتفت هستند که بعد از چند سال چه خواهیم کرد؛ راهش را پیدا می‌کنند، جاسوس می‌گذارند، تمام خیالات و افکار انسان را توسط او می‌فهمند؛ باید ملتفت باشید! دیگر چاره‌ای نیست، الا اینکه خودتان را به خدا بسپارید و متوسل شوید»^۳. این بیانات در دورانی منعقد شده که ما هنوز وارد فضای جدید از رسانه‌های اجتماعی نشده بودیم اما با این حال بیان این نکته که «تمام خیالات و افکار انسان را به توسط او می‌فهمند» توسط آیت‌الله بهجت، نشان از عمق درایت ایشان در فهم پدیده نفوذ دارد. این مساله بویژه در رسانه‌های جدید جلوه بسیار عیان‌تری به خود گرفته است. به عبارت دیگر رسانه‌های جدید به واسطه خیال‌انگیزی، پرورش و جهت‌دهی به خیال در فرهنگ‌ها رسوخ کرده و راه خود را باز می‌کنند. این نکته هر چند ناظر به مدل‌های پیشین نفوذ است اما به دلیل تکیه بر یک اصل کلی در امروز نیز جریان پیدا کرده است.

■ درایت سیاسی در فهم رخدادها

بسیاری از حوادث و رخدادها به‌رغم ظاهری که نمایش می‌دهند، دارای پیام‌های متفاوتی در پشت صحنه هستند. انسان زیرک و سیاستمدار کسی است که بتواند لایه رویین این حوادث را کنار زده و پشت پرده قضیه را فهم کند. نزاع‌های دینی امروز در بسیاری از موارد دارای چنین حالتی شده‌اند. به عبارت دیگر این مسائل و مطامع سیاسی است که در پشت پرده، شکاف‌های دینی را برجسته می‌کند. آیت‌الله بهجت به جهت درک عمیق سیاسی‌شان در بسیاری از موارد چنین رویکردی را اتخاذ می‌کنند. برای مثال یکی از این موارد، جنگ میان ایران و عراق است. ایشان در این زمینه می‌گویند: «آمریکا و انگلیس هم در جنگ عراق و ایران می‌گویند: جنگ شیعه و سنی از سابق بوده است. شما چه کاری با شیعه‌گری و سنی‌گری دارید؟ شاید می‌خواهید بگویید که ما آتش‌افروز جنگ نیستیم و با ایجاد اختلاف و درگیری میان آنها، بازار فروش اسلحه ایجاد نکرده‌ایم و یا به واسطه ایجاد تفرقه میان آنها، نمی‌خواهیم بیشتر بر آنها مسلط شویم و از منافع آنها بهتر و بیشتر بهره‌مند شویم؛ شما که با اصل اسلام مخالفید»^۴. یکی دیگر از موارد زنده نزاع دینی در دوران معاصر، مساله اسلام و آیین هندو در هند است. ایشان در این باره می‌فرمایند: «دولت انگلیس هر وقت می‌خواست در هندوستان میان مسلمانان و هندوها اختلاف و درگیری ایجاد کند، کافی بود گاوی را مخفیانه در محله هندوها سر ببرد. هندوها می‌گفتند: حتماً مسلمان‌ها کرده‌اند و به جان هم می‌افتادند. بعد هم خودش می‌آمد و میان آنها صلح می‌کرد و از آنها مال‌المصلحه می‌گرفت؛ یک پوست گردو به هر این طرف می‌داد و پوست دیگر را به طرف دیگر و مغز را برای خودش برمی‌داشت»^۵.

■ طرح واقعی از صلح جهانی

صلح جهانی یکی از آرزوهای دیرین بشر در طول تاریخ بوده است. تمدن غرب با فراگیر شدن خود مدعی بود اگر درک جدید از انسان فراگیر شود، در نهایت در پرتو این فهم مدرن صلح جهانی محقق می‌شود. با این حال اما شاهد این هستیم که حقوق بشر غربی روز به روز بی‌بشرتر شد، تفکر مدرن تنها منجر به صلح جهانی نشد، بلکه سطح تنش در جهان را به سطحی رساند که امروز به واسطه سلاح‌های کشتار جمعی و هسته‌ای، بیم از میان رفتن نسل بشریت می‌رود. از منظر دینی طرح واقعی از صلح جهانی هنگامی میسر می‌شود که این طرح در افق معنویت و توحید دیده شود. آیت‌الله بهجت در این زمینه می‌فرماید: «انسان احتیاج به معلم و هادی دارد و وظیفه انبیا علیه‌السلام ارشاد و هدایت مردم است. آیا می‌شود گفت ما از تعلیم و هدایت انبیا علیه‌السلام مستغنی هستیم؟ خداوند منان این همه پیامبر برای تعلیم و هدایت بشر ارزانی داشته است ولی بشر از آنها استفاده نکرده و نمی‌کند! چقدر انسان از انسانیت دور است! اگر بین خالق و مخلوق رابطه نبود و هدایت انبیا علیه‌السلام نبود، افراد بشر شب و روز به جان یکدیگر می‌افتادند و برای یکدیگر چاه می‌کنند! خدا می‌داند که این کارهای مهم ممالک کفر این است که بنشینند و برای مغلوب ساختن ملل و دول مستضعف و محروم و کیفیت غلبه و سلطه بر آنها نقشه بکشند و نتیجه‌گیری کنند. تمدن‌ترین دولت‌های

امروز دنیا، آمریکا و انگلیس هستند که در تمام جنگ‌های دنیا در رأس قرار دارند و نوعاً از دور و با واسطه عمل می‌کنند ولی در این زمان واضح و آشکار و مستقیماً داخل جنگ شده‌اند و دخالت می‌کنند. آیا با این حال می‌توان گفت نبی لازم نیست و لزومی ندارد که قوانین مطابق شرع باشد. اگر در تصویب قوانین، مطابقت با شرع قید گردد، چه بسا برای جهان‌خواران ضرر داشته باشد»^۶.

■ استقلال، راه حفظ عزت جمعی

تجربه تلخ حکومت‌های وابسته و طرح سیاست وابسته در جهان اسلام طی ۲ قرن اخیر، زخم‌هایی آن ایده استقلال در سطح کلان آن مورد تأکید اندیشمندان قرار گرفته است. در حقیقت ریشه و خاستگاه استعمار را می‌توان در اتخاذ سیاست وابسته و وابستگی حکومت‌های مسلمان نسبت به غرب دانست. آیت‌الله بهجت این مساله را در کلام خود اینگونه توضیح می‌دهند: «ما باید بر خودمان گریه کنیم از بلاهایی که تا به حال بر سر ما و مسلمانان آمده و می‌آید. مسلمانان و بلاد اسلامی در میهمانخانه گرگ‌ها قرار گرفته‌اند و در شکم گرگ‌ها از میهمانخانه‌ای به میهمانخانه دیگر منتقل می‌شوند. ایران و ایرانیان سال‌ها در حلقوم و شکم روس بودند، بعد از آن سال‌ها در بطن و حلقوم انگلیس بودیم، بعد هم مستعمره آمریکا شدیم»^۷. ایشان حتی بحث را از این سطح فراتر برده و پیرامون روش‌ها و ابعاد این مساله نیز مباحث مختلفی را طرح کرده‌اند. برای مثال در باب روش تسلط کفار بر جوامع اسلامی می‌فرماید: «اختلاط ما با کفار آخرش به همین جاها می‌کشند؛ یعنی ابتدا از مسلمانان پذیرایی می‌کنند و به آنها احترام می‌گذارند و آنها را به بلاد خود دعوت می‌نمایند و در تجارت و معاملات بازرگانی خود داخل می‌کنند و وقتی رؤسا و سیاستمداران مسلمانان مست پول و غیر پول شدند، حاضر می‌شوند امضا و امتیازات دهند تا آنها بر بلاد اسلامی حکومت کنند. بدین ترتیب، هم‌جنسی و هم‌شکلی و اختلاط با کفار، تسلط و حکومت آنها بر مسلمانان آسان‌تر می‌شود. آیا اگر مثلاً کفار بر نفت ایران حکومت کردند، می‌شود که نتوانند بر ایران و مردم ایران حکومت کنند؟! و مالک‌الرقاب ممالک اسلامی و مسلمانان نشوند؟! فرانسه در سوریه، لبنان و الجزایر، و انگلیس در عراق و حجاز حکومت داشت و فعلاً در دست آمریکاست. آری! ائمه ما علیهم‌السلام که فرمودند: «با کفار اختلاط نکنید»، در حقیقت برای حفظ دنیای ما بود و می‌خواستند دنیای ما را برای خود ما تأمین کنند. کار به جایی کشیده که کفار نفت و ثروت‌های طبیعی و ذخایر زمینی و معادن ما را به غارت می‌برند، بعد به عنوان تصدق و آقایی یا به عنوان وام با بهره‌های کلان با تطف و مهر و عطفوت به ما می‌دهند! اکنون ما مسلمانان اسیر و عبید آنها و در زیر دست و چکمه آنها خوار و ذلیل هستیم ولی هنوز نمی‌فهمیم برای چه اینگونه شکست خورده‌ایم؟! آیا از عملکرد خود ماست یا مثلاً از پریدن کلاغ؟!»^۸

آیت‌الله بهجت پیرامون نوع رابطه با کشورهای بیگانه و استعمارگر نیز زاویه ورود جالبی دارند. ایشان اصل این رابطه را مضر به دنیای ما تلقی می‌کنند. مطلبی که بعدها حتی در برخی نظریات علمی انسانی درباره توسعه نیز بازتاب داشت و تحت عنوان مکتب وابستگی، چنین گفته می‌شد که اصل رابطه با دولت‌های استعماری منجر به عقب‌ماندگی می‌شود. آیت‌الله بهجت در این زمینه معتقدند: «برادری نکردن مسلمانان با کفار، سبب عزت اسلام و مسلمان‌ها در دنیا و آخرت‌شان است. در غیر این صورت، آنها آقا بالاسر ما می‌شوند و ما را اغفال و مغلوب خود نموده و با مال خودمان، ما را به استعباد و نوکری می‌کشانند، زیرا آنها با مال و ثروت خودمان، معادن و منابع ما را کشف می‌کنند و در استخراج آن ما را به نوکری و عملگی می‌گیرند و برای حمل آن از نیروی انسانی ما استفاده می‌کنند و در نهایت اصل بار و حمل را برای خودشان بر می‌دارند و می‌برند؛ مسلمان‌ها چقدر غافلند که دنیای خود را هم نمی‌خواهند. کفار به آنها رشوه می‌دهند و صدها برابر آن را از آنها پس می‌گیرند. البته به هر کس رشوه نمی‌دهند، بلکه به رؤسا و شخصیت‌های سیاسی و ملی رشوه می‌دهند تا آسان بتوانند بر اوضاع ملت و مملکت مسلط شوند. به این ترتیب برای رشوه‌خواری حتی دنیای خود را می‌بازیم! انگلیس برای تسلط به اوضاع عراق، هزار لیره برای آقا سیدمحمد کاظم بزدی رحمه‌الله فرستاد؛ ایشان جواب داد: ما شخصیت را بر پول ترجیح می‌دهیم. شخصیت دینی، مانع از پول گرفتن است»^۹.

۱- در محضر بهجت، ج۱، ص ۱۲۶
۲- بیانات در دیدار یکی از علمای اصفهان، مندرج در پایگاه اینترنتی مرکز تنظیم و نشر آثار آیت‌الله‌العظمی بهجت
۳- به سوی محبوب، صفحه ۱۱۴
۴- در محضر بهجت، ج۳، ص۲۰۸
۵- همان، ۱۴۹
۶- در محضر بهجت، ج۲، ص ۱۶
۷- در محضر بهجت، ج۱، ص ۳۱۷
۸- همان، ۳۲
۹- در محضر بهجت، ج۲، ص ۷۳



گفت‌وگوی «وطن امروز» با حجت‌الاسلام والمسلمین علی بهجت

درباره شخصیت آیت‌الله‌العظمی محمدتقی بهجت

عارف محبوب

همین در حساب‌ها اشتباه نکرده باشیم و عذایمان نگفتند، باید خدا را شاکر باشیم؛ چه رسد به اینکه با پول‌های مردم ملک یا وسیله‌ای برای فرزند و خانه خود خریداری کند. به چشم می‌دیدیم که به آنچه می‌گفت، عمل می‌کرد و این چیزها از چشم مردم دور نمی‌ماند. اگر به من پول می‌داد و می‌گفت به کسی برسانم، می‌گفت دست را بالا نگیر، دستت را پایین بگیر تا او دستش بالاتر باشد و پول را از شما بگیرد.

وقتی آیت‌الله بهجت اینطور معتقد بودند و عمل می‌کردند، بسیاری از افراد به ایشان مراجعه می‌کردند و خواهان دعا برای برآوردن حاجات بودند. روزی شخصی نزد ایشان آمد و گفت بیمار ما را شفا بده، آقای بهجت فریاد زدند: من شفا دهنده نیستم، چنین شخصیتی را همه دوست دارند، چرا که می‌بینند راستگو است و کرامت بسیار دارد.

طلبه ابتدا باید خود را بسازد و سپس به فکر اصلاح جامعه باشد، در غیر این صورت نتیجه عکس می‌دهد. مگر رضاخان فشار نمی‌آورد چرا حجاب رعایت می‌شود؟ نتیجه برعکس شد و تا رضاخان رفت، همه به سمت حجاب رفتند و مردم در نهایت آزادی حجاب را انتخاب کردند ولی چرا به جای اینکه جذب‌کننده باشیم، افراد را دفع می‌کنیم، چون مردم متوجه هستند که ظاهر و باطن بعضی از ما با هم فرق دارد و الا مردم ما همیشه روحانیت بویژه علمای الهی را مأمّن و پناهگاه خود می‌دانست و می‌دانند.

ادامه از صفحه ۲

با اینکه ایشان در نهایت تعلم بالاترین علم را فرا گرفته بود و در مقام معرفت بالاترین بود و در مقام عمل و ریاضت کشیدن به نحو اعلا و اکمل بود و حالات بزرگ روحی را کسب کرده بود اما هیچ ادعایی نداشت. بالاترین علم را طی کرده بود، بالاترین عارف هم شده بود، جامع علم و عمل بود، شاید بزرگ‌ترین سالک وقت بود اما ادعایی نداشت.

یک عکسی چاپ کرده و زیر آن نوشته بودند بودند مرجع تقلید شیعیان، عالم بزرگ و وارسته و... آیت‌الله‌العظمی بهجت. یک روز آمدند تمام این‌ عنوانین را فیچی کردند و فقط شیخ محمدتقی بهجت باقی ماند. وقتی این عکس را دیدم فکر کردم بچه‌ها این کار را کرده‌اند اما در نهایت متوجه شدم که خود آقای بهجت این کار را انجام داده‌اند.

عمل ایشان اینچنین بود، نه اینکه فقط در حرف بگویند، می‌گفت اگر راهنمای مردم می‌خواهی باشی و راه را نرفتی، اشتباه است که راه رفته‌تر را به مردم بگویی بروند. اشتباه است که راه رفته باشی، الهی شده باشی. قرآن هم می‌فرماید: «إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمَلَأْ قَبِيهَ» با زبان و عمل ایشان فریاد می‌زد. «قد افلح من زكاهها»، هر کسی که قلب خود را پاک کرد او در رأس کار است. ماهی ۲ میلیارد تومان هزینه می‌کرد و حاضر نبود یک هزار تومان را صرف خانه خود کند. بعضی به ایشان می‌گفتند این‌ کارها مگر ندارد؟ در پاسخ می‌گفت